



معامله قرن



Ehsan...

شهر ونگ



تقاطع غیرهم سطح

عنصری به نام خوش گوشت!



شهاب نیوی
طنزنویس

هفته علمی- تخیلی مان را در حالی به پایان می‌رسانیم که از دیروز ثبت نام برای کنکور ۹۹ شروع شده. هم اکنون جوانان و نوجوانان بسیاری دارند با اشتیاق برای کنکور ثبت نام می‌کنند و فکر می‌کنند با گرفتن برگی که به او مدرک تحصیلی می‌گویند به تمام آرزوهای شان می‌رسند. این قشر عزیز نمی‌داند تقریباً هیچ کدام از مباحثی که استاد گرامی آنها را تدریس می‌کند، به درد زندگی نمی‌خورد و تنها فایده مدرک این است که از این به بعد پدرشان به جای اینکه به آنها بگوید: «هوی، اون آشغال‌ها رو بذار دم در.» به آنها می‌گوید: «مهندس-دکتر-حسابدار- حقوقدان، اون آشغال‌ها رو بذار دم در.» در خبری دیگر رئیس سازمان امور مالیاتی گفته که نگران نباشیم، چون مالیات خروج مسافران از کشور همان عوارض است و هیچ مالیات جدیدی قرار نیست بدهیم. ما ضمن تشکر از این رئیس عزیز، خدمت مردم عرض می‌کنیم که این قدر درگیر نام‌ها و عناوین نباشند. نام‌ها و عنوان‌ها به هیچ کس وفانکرده. مهم این است که باید اینها را بدسیم. حالا اسمش چه فرقی دارد؟ می‌خواهد عوارض باشد، می‌خواهد مالیات باشد، می‌خواهد ارزش افزوده باشد، می‌خواهد درآمد حاصل از هدفمندی یارانه‌ها باشد، مهم این است که مال ما نیست و باید این امانت‌های نقدی را به مسئولان محترم تحویل بدهیم. در خبری دیگر داشتیم که در سال ۹۶ حدود ۱۰ میلیون نفر از کشور خارج شده‌اند اما در سال ۹۷ حدود پنج میلیون نفر. ما بررسی کردیم و متوجه شدیم که آن ۵ میلیون که این وسط کم شده، فعلاً در حال مبارزه برای خرید ماست و گوشت و مرغ و روغن است و دیگر فکر خروج از کشور را هم نمی‌کند. این گروه همین که ماه به ماه دارد دوام می‌آورد و از صحنه زندگی گیم‌آور نمی‌شود، خدا را شاکر است.

یک مسئول: ۲ میلیون نفر تحت تاثیر مستقیم زلزله تهران هستند

کارشناس تلویزیون: ولی از لحاظ علمی ممکن نیست تهران بلرزه!

زلزله: ۷۸ میلیون هم غیرمستقیم بهم وصل‌اند!
بافت فرسوده: ولی فقط ۷۰ درصد تون توی من زندگی می‌کنید!
یک مسئول: خیلی خوب حساب کرده، تهش عمرا از ۴ میلیون بالاتر بریم!
یک مسئول دیگر: مهم نیست، بعد از زلزله دیگه کسی نیست که بخواد به آمار گیر بده!
یک شهروند: من از مدیریت بحران بیشتر از خود زلزله می‌ترسم
یک شهروند دیگر: از قدیم گفتند تحت تاثیر قرار گرفتن همون ۲ میلیون اولش سخته!
#خیلی-خوب-حساب-کرده-دمت-گرم-نمیاد-اون-روز-#شهر ونگ

وزیر ورزش: ورزشکارانی که مهاجرت کردند یا به دلیل ازدواج بوده یا برای ادامه تحصیل

ورزشکاران: تازه بعضی هامونم اومدیم آمپول بزنییم!

یک ورزشکار: دو صفحه دیگه درس بخونیم برمی‌گردیم!
یک ورزشکار دیگر: هرچی شما بگید ولی من توی اینستاگرام کلی توضیح دادم!
یک مربی: دو تا دستیار سرعتی لازم دارم که نذارند بچه‌ها از اردو برن و اسه ادامه تحصیل!
یک مسئول: ما پشت در رو نذاختیم، طلاق گرفتید یا درس تون تموم شد برگردید!
یک مسئول دیگر: تجدید شدید برگردید همین جا واستون تک ماده می‌زنیم!
#ما-اینجوری-گفتیم-شما-هم-بگید-خوبیت-نداره-اون-که-رفته-دیگه-هیچوقت-نمیاد-#شهر ونگ

شهر زیبا

لیست اموال کی کمتره؟ من من من من

من حتی اسم هم ندارم، چون خیلی دیر شده بود و پدر و مادرم باید برمی‌گشتن، فرصت نشد که شناسنامه برام بگیرن و به همین علت من الان اسم درستی هم ندارم.
●●● مگه کجا پویدید؟
کانادا.

●●● حالا فکر می‌کنید بزرگترین مشکلی که کشور باهاش درگیره چیه؟ و شما قصد دارید این مشکل رو با چه راه‌حلی در مجلس حل کنید؟

به نظرم بزرگترین مشکل فعلی اینه که به عده‌ای در کشور هستن در حدود ۲ درصد... که اینا خیلی پولدارن و اموال زیادی دارن و در کنارش به ۹۸ درصدی هم هستند که اینا واقعا فقیرن و در مشکلات شدید اقتصادی به سر می‌برن، مثل من. ما باید برای این مشکل فکری کنیم.

●●● شما که قبلا می‌گفتید ۱۹ درصد فقیرن، چقدر درصدش بیشتر شد؟

خب اون انتخابات سال نود و شش بود، الان سال نود و هشت و ما باید متناسب با حال و هوای هر انتخابات درصد بدیم که بهش بیاد و شیک باشه. مشاورهای تبلیغاتیتم خیلی روی این موضوع شیک بودن اصرار دارن.

●●● خب حالا برنامه تون برای همین کار چیه؟
بله. سوال خوبی کردید. داشتم فراموش می‌کردم. ما دو تا راه‌حل داریم. یکی اینکه اون ۹۸ درصد رو کمک کنیم تا مثل اون ۲ درصد بشن که خب همون طور که می‌دونید خیلی کار سختیه و تلاش زیاد می‌خواد که چهار سال مجلس کافی نیست برای این کار. راه دوم هم اینه که اون ۲ درصد رو مثل اون ۹۸ درصد کنیم که این خیلی شدنیه و من امیدوارم بتونیم تو این مدت به جامعه به دست بسازیم که این مشکل بزرگ هم حل بشه.

●●● خیلی ممنونم. صحبت دیگه‌ای ندارید؟

نه من کلاهل صحبت نیستم. فقط آگه لازم بود بگید لیست اموال رو اعلام کنم.

●●● نه لازم نیست، متشکرم.



در خدمت یکی از کاندیداها شرکت در انتخابات مجلس هستیم و قصد داریم با ایشان مصاحبه‌ای داشته باشیم تا هر چه بیشتر بتوانایی ها و برنامه‌هاشون برای شرکت در انتخابات آشنا بشیم.
●●● دوست عزیز سلام.
سلام عرض می‌کنم، بدبختم، در خدمتتون هستم.
●●● می‌خواستم به عنوان اولین سوال بپرسم که شما چه برنامه خاصی برای حضور در مجلس دارید؟
من برنامه خاصی ندارم، ولی عوضش خیلی فقیرم و می‌تونم لیست اموال رو اعلام کنم.
●●● خب اعلام کنید.
نمی‌تونم اعلام کنم.
●●● چرا؟ چی شد؟

من خیلی دنبال بیه بره‌گه کاغذ گشتم که لیست اموال رو توش بنویسم و اعلام کنم، ولی به دلیل فقر زیادی که باهاش دست و پنجه نرم می‌کنم، حتی بیه بره‌گه کاغذ هم پیدا نکردم، البته من آدمی نیستم که از تلاش دست بردارم و بالاخره با کوشش فراوان تو نستم به تیکه کاغذ جلد سیگار برگ پیدا کنم، ولی متأسفانه هرچی گشتم خودکار پیدا نکردم.
●●● سیگار برگ می‌کشید؟

معمولاً نه ولی گاهی که خیلی فقر بهم فشار میاره برای اینکه بتونم دقایقی از زرق و برق ونداری بیرون بیام به پکی می‌زنم، خیلی تفریحی.
●●● خب ممنونم. حالا آگه ممکنه بفرمایید که شما چه توانایی خاصی در خودتون دیدید که حس کردید لازمه در مجلس حضور داشته باشید؟

من به دلیل فقر زیاد، نتونستم هیچ توانایی خاصی داشته باشم، البته پدرم منو چند باری کلاس‌های اسکی، پرواز با پاراگلایدر و اسب سواری گذاشت، ولی به دلیل فقر زیادی که داشتم، پول تاکسی نداشتم که خودم رو به کلاس‌ها برسونم و از کلاس‌ها اخراج شدم. یک بار هم سعی کردم کلاس زبان اسپانیولی برم که تو سفرهایی که به اسپانیا دارم به مشکل نخورم و بتونم خریدهای بهتری از پاساژها داشته باشم، ولی استادش خیلی گرون می‌گرفت و متأسفانه خانواده ما این توانایی مالی رو نداشتم که بتونه از پس این هزینه‌های سنگین آموزش بریاد. حتی پدرم بهم گفت بیاتو همین مدرسه‌ای که خودمون زدیم درس بخون، ولی من لباس مناسبی برای رفتن به مدرسه نداشتم و به همین دلیل کم کم خنگ وبی سواد شدم.

●●● یعنی شما حتی سواد خوندن و نوشتن ندارید؟
شما بگوبه کلمه.

●●● یعنی اسم خودت رو هم نمی‌تونی بنویسی؟

کوچه اول

شربت هم آمده دیگه!
اسم من شربتیه! شربت خالی، ای کاش اسمم «شربت دگزامتازون» بود تا یکم خفن تر به نظر بیام. از همون بچگی وقتی از پدر و مادرم می‌پرسیدم: «حالا چرا شربت؟!» بغض گوشونو می‌گرفت و بعد به فین مشت می‌زد. عکس بابا بزرگ خدا بیا برمو نشونم می‌دادن. واقعا نمی‌دونم خدا بیا برمو تو چه فکری بوده که این اسمو واسم انتخاب کرده. البته به حدس‌هایی می‌زنم، مثلاً به فکر کسب و کار شربت آوبش تو ناصر خسرو بوده؛ شاید هم شربت ملینی چیزی دم دستش بوده؛ ولی باید بهش حق داد چون من بیست‌مین نوه‌اش بودم، بالاخره از به جایی به بعد مخ آدم جایی قد نمیده! حالا به نظر کارشناسی شما کسی پیدا می‌شه یا به شربت ازدواج کنه؟! همه اینا به کنار، بچه من با چه رویی تو مدرسه سرشو بالا بگیره و اسم پدرشو بگه؟! همین جا از معلمای عزیز می‌خوام از بچه‌های مردم اسم پدرشونو نپرسن! شاید اسم بابای یکی عذر موجه داشت. □

شهر فرنگ



منبع: اینستاگرام هنرمند شهر ونگ